

مقدمه:

کاغذ ابری نوعی کاغذ تزئینی است که ابری ساز با در آمیختن رنگ‌های مختلف، نقوشی پیچیده و در هم تنیده، شبیه به ابر بر کاغذ ایجاد می‌کند. این کاغذ برای آراستن حاشیه کتاب‌های خطی، مرقعات و قطعات خط و نقاشی مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱ در میان پژوهشگران شعب مختلف کتاب‌آرایی، در خصوص مخترع و مبدع این فن اختلاف نظر است:

۱) مرحوم استاد احمد گلچین معانی (۱۲۹۵-۱۳۷۹) بر این باور بود که مخترع این نوع کاغذ ملا محمد امین جدول کش مشهدی معروف به «جدول» از مشاهیر مذهب‌ان خراسان است که در فتنه اوزبکیه با خانواده خود راهی هندوستان گردید و به سلسله خان خانان عبدالرحیم خان سپهسالار پیوست و در آنجا عکس هفت رنگ را نیز که نوعی از تزئینات ظریف کتاب است اختراع کرد. وی قسمت اعظم عمر خود را در کتابخانه روضه رضویه (امام هشتم) و بقیه را در کتابخانه خان خانان گذراند و در اوایل قرن یازدهم در هندوستان در گذشت.^۲ به نظر می‌رسد که این گفته، برگرفته از کلام باقی نهایندی در مآثر رحیمی است: «... وی در فتنه اوزبکیه با خانواده خود به هند رفته و سال‌ها در کتابخانه خان خانان اکثر کتب ایشان را زینت و زینت داده، عکس هفت رنگ را وی اختراع نموده و معامله عکس را به جایی رساند که در متقدمین و متأخرین هیچ کس پیرامون آن نمی‌تواند گردید، و مخترع کاغذ ابری این خلاصه روزگار است...»^۳

۱. برای آشنایی بیشتر با ساخت این نوع کاغذ، نک: محمد حسن سمسار، «ابری»، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۵۷۴ - ۵۷۰.
 ۲. فرهنگ اشعار صائبه احمد گلچین معانی (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۴)، ج ۲، ص ۵۸۰ (ذیل کاغذ ابری).
 ۳. عبدالباقی نهایندی، مآثر رحیمی، به کوشش محمد هدایت حسین (کلکته، ۱۹۲۴ - ۱۹۳۱ م.)، ج ۳، ص ۱۶۷۸.

مکتوب محمد یحیی قزوینی به میر محمد طاهر (واضع کاغذ ابری)

به کوشش: محسن ناجی نصرآبادی*

چکیده: کاغذ ابری نوعی کاغذ تزئینی است که از دیرباز برای آراستن حاشیه کتاب‌های خطی، مرقعات، قطعات خط و نقاشی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در میان پژوهشگران مختلف فن کتاب‌آرایی در مورد مبدع این نوع کاغذ اختلاف نظر وجود دارد. مرحوم استاد محمد گلچین معانی (۱۲۹۵-۱۳۷۹) این نوع کاغذ را ابداع ملا محمد امین جدول کش مشهدی معروف به «جدول» می‌داند که از مشاهیر مذهب‌ان خراسان است. اما روایت قاضی احمد قمی، شاگرد ملا محمد امین نشانگر آن است که گرچه وی در ساخت این گونه کاغذها مهارت خاصی داشته. اما مبدع آن نبوده است. گروهی دیگر خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید متخلص به «بیانی» را مبدع کاغذ ابری می‌دانند. برخی از هنرمندان اواخر سده دهم هجری ابداع کاغذ ابری را به میر محمد طاهر، هنرمند ایرانی مقیم هند نسبت می‌دهند و برای اثبات مدعی خویش به دو مکتوب از میر محمد یحیی قزوینی و ملا خلیل وقاری به محمد طاهر استفاده می‌کنند.

از متن دو مکتوب یاد شده چنین استنباط می‌شود که هر چند ابری‌سازی پیش از محمد طاهر به وسیله هنرمندان ایرانی اختراع شده بود، اما این محمد طاهر بوده است که با طرح‌ها و نقوش زیبا کاغذهایی پدید آورده است که خود در حد اختراع و ابتکار محسوب می‌شود.

کلیدواژه: کاغذ ابری؛ کتاب‌آرایی؛ میر محمد طاهر، سده ۱۱ ه.؛ قزوینی، محمد یحیی بن محمد شفیق، سده ۱۲ ه.؛ و قاری زیدی، محمد امین بن عبدالفتاح، سده ۱۱ ه.

* بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی؛ مشهد مقدس.

قاضی احمد قمی، شاگرد این ملا محمد امین مشهدی، در شرح حال او روایتی دارد که نشانگر آن است که کاغذ ابری پیش از ملا محمد امین در میان هنرمندان روایی و رواج دارد و او تنها در رنگ کردن کاغذ و ساخت ابری‌های گوناگون بحر و تسلط خاصی داشته است، نه آنکه مبدع و مخترع آن نوع کاغذ باشد:

«... مولانا محمد امین جدول کش، مشهدی است در تذهیب و جدول کشی قرینه خود نداشت. استاد فقیر است و در وصالی و افشانگری خواه لینه و خواه میانه و خواه غبار و خواه حل کردن قرینه نداشت و در کاغذ رنگ کردن و ابری‌های مختلف نادر عصر بود. هفتاد رنگ کاغذ رنگ می‌نمود، مجملاً که در این فنون نظیر خود نداشت...»^۴

۲) گروهی دیگر پیدایش و ساخت کاغذ ابری را در واپسین سال‌های سده نهم گزارش می‌دهند و مخترع آن را خواجه شهاب‌الدین عبدالله مروارید متخلص به بیانی (۸۵۶-۹۲۲ هـ) از وزرای دربار تیموریان می‌دانند.^۵ یگانه سند شناخته شده در این خصوص گفته محمود بن محمد صاحب قوانین الخطوط در نیمه دوم سده دهم هجری است:

«... خواجه عبدالله، خوشنویس و منشی اعلا بوده، افشان غبار و رنگ آمیزی ابر کاغذ از اختراع اوست و به دیگر فضایل اتمصاف داشته‌اند...»^۶

امیر علیشیر نوائی که از معاصران خواجه عبدالله است در شرح حال او به اختراع کاغذ ابری به دست وی اشاره نمی‌کند، گرچه او را در جمیع اصناف فضایل کلیه و جزویه ماهر و کامل، و خطاط خوب و منشی بی نظیر و سازنده دلپذیر می‌داند.^۷ همچنین سام میرزای صفوی به احترام مقام استادی خواجه، شرح حال مفصلی از او در تذکره اش می‌آورد، اما به ابداع کاغذ ابری به دست او اشاره‌ای ندارد.^۸

۳) گروه دیگری از هنرمندان اواخر سده دهم هجری، میر محمد طاهر، هنرمند ایرانی مقیم هند را مبدع کاغذ ابری دانسته‌اند. دو مکتوب از میر یحیی قزوینی و ملا خلیل وقاری به محمد طاهر - واضع کاغذ ابری - وجود دارد. این دو مکتوب سبب شده است که شماری از پژوهندگان معاصر به واسطه

آن، ابداع و اختراع کاغذ ابری را از آن محمد طاهر بدانند.^۹ از متن این دو نامه چنین بر می‌آید که تعدادی از اوراق کاغذ ابری ساخت محمد طاهر از هندوستان به اردبیل می‌رسد و به سبب زیبایی نقوش و طرح‌های عجیب و غریب مورد توجه اهل فن قرار می‌گیرد. ذوالفقار خان، والی قزوین دستور می‌دهد که اکثر کتاب‌های نفیس کتابخانه سرکار عالی (ظاهر منظور کتابخانه بقعه شیخ صفی)^{۱۰} را با این کاغذ تحشیه کنند. افرادی چون محمد یحیی قزوینی و ملا خلیل وقاری دست به کار می‌شوند و شروع به تقلید در ساخت کاغذ ابری می‌کنند، اما کاغذهای ایشان آن جذب و زیبایی کاغذ محمد طاهر را ندارد. این دو، طی دو نامه جداگانه مقداری از کاغذهای ابری دست‌ساز خویش را روانه هند می‌کنند تا محمد طاهر آنها را ببیند و نظر خویش را درباره آن اعلام دارد تا اگر مورد تأیید قرار گرفت در تکثیر آن اقدام کنند.

گرچه در این دو مکتوب به طور صریح محمد طاهر را واضع کاغذ ابری دانسته‌اند، اما پیداست که هنر ابری سازی پیشتر از آن به وسیله هنرمندان ایرانی اختراع شده است و سپس به هند رفته و در آنجا متداول گشته و پیشرفت بسیار کرده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که آنچه محمد طاهر در هند ساخته و به ایران فرستاده است، از چنان زیبایی ویژه‌ای از نظر طرح و نقش برخوردار بوده که خود در حد اختراع و ابتکار به حساب می‌آمده است. از این رو دادن لقب مخترع و واضع به سبب نوآوری‌های او بوده است نه اختراع ابری سازی. اینکه محمد یحیی قزوینی ساخته‌های او را دارای طرح و طرز غریب خوانده است برانگیزنده این گمان است که محمد طاهر نخستین کسی است که توانسته ابری‌های نقش‌داری که هنرمند در پدید آوردن طرح‌های آن دخالت داشته است، پدید آورد.^{۱۱}

مکتوب ملا خلیل وقاری را استاد ارجمند نجیب مایل هروی تصحیح و منتشر کرده است. بنده نیز به لحاظ اهمیت مکتوب محمد یحیی قزوینی که در وصالی و رنگ آمیزی کاغذ و ابری‌ها، نادره کار و تصرفات نیک داشت به تصحیح آن بر مبنای مجموعه شماره (۶۴) ۳۸۴۶ کتابخانه ملی ملک پرداختم. به امید آنکه قبول افتد.

۴. قاضی احمد قمی، گلستان هنر، (تهران، ۱۳۵۲)، ص ۱۴۸.

۵. نجیب مایل هروی، کتاب آرای در تمدن اسلامی، ذیل «ابری» سمسار، همانجا.

۶. «قوانین الخطوط»، به نقل از کتاب آرای در تمدن اسلامی، ص ۳۳۱.

۷. امیر علیشیر نوائی، تذکره مجالس النفایس، به کوشش علی اصغر حکمت (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۲۸۱.

۸. تحفة سامی، به کوشش رکن‌الدین همایون نغرخ (تهران، ۱۳۴۷)، ص ۱۰۲.

۹. احمد سهیلی خوانساری، مقدمه گلستان هنر، چهل و دو؛ محمد تقی دانش‌پژوه «رنگ‌سازی در کاغذ و رنگ‌زایی از آن» هنر و مردم، ص ۱۶، ش ۱۸۱، ص ۲۱-۲۲.

۱۰. سمسار، همانجا.

۱۱. همانجا.

سواد کتابت

محمد یحیی قزوینی که نزد میر محمد طاهر
واضع کاغذ ابری نوشته بود

میرید توام زان که جان مرا مرادی

علیک اعتمادی الیک استنادی

انشاء تحیتی ناشی از منشاء شوق و وفا که منشی ممالک
صدق و صفا در صحیفه محبت و ولا املا نماید،
با لطایف مدحاتی که فحوای شریفش دال بر کمال
مخالصت و ولاست، و شرایف تحیاتی که مضمون
لطیفش مخبر از غایت مصادقت و صفاست. از آنجا که
غایت کمال تشبث به آل عبا و نهایت تعلق به ولای ائمه
هدی - علیهم التحية و الثناء - دارد، تحفه پاکیزه جوهری
که گوهر شب چراغ ادراک و افضال از روزنه طبع بلندش
افاضه انوار حدس و ذکا نماید و اختر گیتی افروز دانش و
کمال از ذروه بخت ارجمندش استفاضه آثار عز و اعتلا کند،
اعنی حضرت سیادت و نقابت پناه، رفعت و معالی دستگاه،
حقایق و معارف آگاه، لطایف نگار بدایع آثار، و حید الزمان،
فرید العصر و الاوان، قطب فلک کمالات، منتخب
مجموعه استعدادات، قدوة ارباب هوش و تمیز، الموفق
من عندالله بالطبع السليم الباهر المشهور فی السنة الخلق
بالخلق الطاهر، بلند فطرت و فرخنده بخت و روشن رای،
فرشته سیرت و پاکیزه طبع و نکته شناس، شمساً لفلک
السیادة و النقابة و الهدایة و النجابه و الرفعة و العز و المعالی
امیر محمد طاهر ا اعتضاداً می گرداند و بر صحیفه عقیدت
رقوم محبت به کلک صداقت سلک بر لوح عرض می نگارد
که هر چند دیده ظاهر به جمال مسرت افزای مهر آرا منور
نشده؛ اما غایبانه چندان از مکارم اخلاق و محاسن اعراق
و شرایف اوصاف و لطایف که مناسب مناصب و مقارب
مناقب آن خلاصه دودمان مصطفوی و نقاوه خاندان
مرتضوی است استماع افتاده که نصب العین گشته:

در خلوت خیال به هر سو که بنگرم

آینه رخ تو بود در برابرم

و بالجمله تا صور کمالات علیه آن حضرت در مرآت
خاطر انطباع یافته و صیت حیثیات و مآثر حلیه بر لوح
ضمیر مرتسم گشته، لایزال غاشیه ارادت بر دوش و حلقه
اخلاص در گوش از میقات صدق و صفا، احرام کعبه افادت
و توجه به قبله استفادت دارد. و در آرزوی شرف صحبت
قیاض و سعادت مجالست مجلس حقایق انتهاز روزی

به شب و شبی به روز می آرد. رسام تقدیر که لوح امید را به
نقش مراد نگاشتن رسم قدیم اوست، صورتی که معنی
تواصل و تلافی تواند بود از نگارخانه غیب به صفحه
ظهور نقل کند. و بعد از تصویر معنی اخلاص و چهره گشایی صورت
اختصاص به کلک شوق بر صحیفه نیاز می نگارد که تا
اریاب تجارت و اصحاب سفارت "کاغذهای ابری" که از
مخترعات طبع لطیف غریب نگار و مبتدعات فهم شریف
عجایب آثار آن محامد و مکارم اطوار است و در اقصای
بلاد منتشر ساخته اند. از مشاهده آن طرح و طرز غریب،
ریاض قابلیت طالبان طراوت و نصارت یافته و از مطالعه
آن فن و رموز عجیب و لطیف مزرع استعداد و مستفید آن،
تربیت پذیرفته. با آنکه مخلص حقیقی مشقت و ریاضت
بسیار در تتبع مآثر آن فنون کشیده، درین امر به عجز و قصور
خویش اعتراف کرد و در مقام حیرت و تعجب ماند، الحق
درین معامله عقل حیران و فکر سرگردان و فی حله و کشفه
استعین بالله الی الله المستعان، همواره خار ترددی در غنچه
دل می خلید و غبار توهمی به آئینه خاطر می رسد که
بدانچه مقدر فهم قاصر باشد درین وادی طریق سعی و
اجتهاد سپرد و بعضی موانع از حجله خفا به جلوه گاه ظهور
می رسد که بی اختیار به تعویق می افتاد و از قوه به فعل
نمی آمد، تا آنکه به مقتضای «الأمور مروهنة باوقاتها»،
سببی که متضمن حصول مقصد باشد از مکمن غیب به
ظهور بیوست و شخصی از آن حدود آمده، چند ورق از
کاغذ مصنوع آن حضرت با بعضی تحف بر سبیل پیشکش
و عراضه به خدمت نواب مستطاب، و الاجناب، معلی القاب،
نامدار گردون و قار، خورشید اشتهار، معدلت شعار، رفیع
مقدار، اقبال و اجلال پناه، عالیجاه خدایگان، ولی الاحسان،
خان عالی شان، منبع المکان، صاحب الجود و الرأفة
والامتنان، ذوالفقار خان - ادام الله تعالی مبانی عظمت و شوکت
و خلد ظلال جلال عاطفته و مرحمته الی یوم الحشر
و المیزان - آورد.

بندگان نواب مطاع از تفرج آن محظوظ گشته، توجه
بسیار نمودند و مقرر ساختند که اکثر کتب نفیسه سرکار
عالی را از این قسم کاغذ حاشیه نمایند، به عرض رسانیدند
که از این نوع آن قدر که تمامی کتب را حاشیه توان کرد
میسر نمی شود، و در این ولایت نیز کسی که تتبع نماید
به هم نمی رسد، چون اوضاع فقیر به واجبی بر مرآت
ضمیر منیر بندگان نواب عالیجاه خداوندی جلوه گر بود،

طلب نموده به تتبع این امر اشارت فرمودند؛ چون هیچ امری از اموری خدمت و ریاضت و طلب همت و رخصت از استاد میسر پذیر نیست، غایبانه توجه به باطن فیض مواطن آن حضرت که مخترع این شاهدان دلفریب و مبتدع نوع و سوسان با خال و زینند نموده، استمداد همت کرد و منطقه شاگردی بر میان بسته، با خود تأمل نمود که اگر به حسب مباحث جسمانی از شرف خدمت آن معالی منقبت دور باشد، مقاربت روحانی نمی‌گذارد که شخصی را که دم از طریقه اخلاص و ارادت در ارتکاب امری که ضروری و حکمی باشد بی آنکه فیما بین تلاقی واقع شود و مستفید گردد و از مطلب و مقصدی که پیشنهاد حکمت خود ساخته باشد، مأیوس و محروم ماند، به هر نوعی که مقدور بود، شکسته بسته چند صورت داد و نقشی علی‌الرسم بر آب زد؛ اما از قلت قابلیت و عدم اعتماد بر غریزه خود آنها را وقتی نمی‌نهاد و به مقتضای تأمل در مودای «المرء بصیر بعیوب نفسه» توسن طبیعت را در میدان اشتها رخصت جولان نمی‌داد و خاطر فاطر به سبب این دغدغه قرار نگرفته، بدین ترنم می‌کرد:

در آن بستان که گل قدری ندارد

چه قدر و منزلت باشد گیارا
چون دارنده این صحیفه الموده، رفعت پناه، زین الامثال و الاشباه، مقبول قلوب ارباب الانتباه نجم‌الدین میرزا عبدالله متوجه خدمت بودند، نحواست که مجلس عالی از دعای این محب صافی خالی باشد، به وسیله ضریعه ذریعه این وسیله خود را بر ضمیر منیر آن حضرت جلوه عبور داد تا یاد کند که مخلصی هست مرا و نیز به خاطر ناقص رسید که چند ورق کاغذ بدانچه در وقت گنجد مرتسم ساخته، مصحوب جناب حامل این ذریعه المحبته به نظر کیمیا اثر آن معالی قباب که حلال مشکلات و فاروق حق و باطل است رساند تا اگر این خُردها بر محک اعتبار کامل العیار نماید به سکه قبول رسانیده، در بازار صیرفیان

این فن رایج گردانند؛ و الا جمله را در خلاص اخلاص گذاخته، عارض حق صرف را از عرصه تعرض باطل خلاصی سازند؛ چون با کریمان کارها دشوار نیست از موجبات فضل و اهتمام خدام در اتمام این مرام و بذل مجهود در تعلیم و تعلم این مخلص مستهام متوقع است که از میان توجهات جمیل آن عظیم العدیل جراید مقاصد به ارقام اسعاف و انجاح ارتسام یافته، عنقریب خلوت سرای نشینان پرفضل و حکم که مشاطة کلک صنایع و بدایع نگار رخسار جمالشان را به زیور خط و خال شهامت آراسته، به جلوگاه تفقد و تفضل ارسال گردانند و طیب طبع مسیحا اقتدار را امر فرمایند که حقه‌های بیان را از تریاق فاروق کرامت مملو ساخته، به وادی پرسش بیماران این فن دلالت نماید و به صد غنچ و دلال نقاب ناز از عارض اعزاز برداشته، به زبان مهر و محبت تخم مودت در بوستان دل دوستان کارند، و نقش یاد محبان حقیقی را بر لوح ضمیر منیر سترون روانداسته، به اعلام صور حالات که از تلون صور سیاهی و سفیدی شب و روز رنگ آمیزی چرخ بوقلمون بر صفحه ظهور انتقاش بریزد، التفات فرمایند. و سفینه امید طالبان را از عمان حرمان به ساحل وصل رسانند، و به ارسال مفاوضات و ارجاع خدمات و اشارات ممنون و مسرور سازند. بواقی حالات و کمیت و کیفیت اوضاع و خصوصیات مخلص موقوف به تقریر دلبذیر جناب عامل این صحیفه المودت است که در هنگام استعداد به شرف تلاقی معروض خواهند داشت.

بی ادبی و گستاخی را به ذیل عفو و اغماض مستور داشتن و همت بلند را بر تربیت احوال مخلصان و معتقدان نیازمند و اصلاح حال مریدان و مستمندان دردمند گماشتن بی شایه مناسب شمایل قدسیه ذات آن عالی مثال و ملازم طور بزرگی آن فرخنده خصال خواهد بود. زیادت از این اطناب موجب تصدیع و ملال خاطر می‌گردد. الواح آمال و امانی به نقوش مقاصد دو جهانی مرتسم باد. برب العالمین.